

بررسی ارتباط بین تمرکز و ثبات مالی در نظام بانکداری ایران

محمد اسکندری

فارغ التحصیل کارشناسی ارشد اقتصاد، دانشکده علوم اقتصادی، دانشگاه شهید اشرفی اصفهانی، اصفهان، ایران.

نام نویسنده مسئول:

محمد اسکندری

چکیده

فعالیت بانک ها و به طور کلی صنعت بانکداری، بی گمان یکی از اساسی ترین بخش های اقتصاد در هر کشور محسوب می شود. تأثیرگذاری تمرکز سیستم بانکداری بر ثبات مالی یکی از مهم ترین کانال های موجود در موضوعات صنعت بانکداری است. یعنی هرچقدر تمرکز بازار بانکداری بالاتر باشد ثبات نظام بانکداری رشد فزاینده ای دارد. از دیگر نتایج تحقیق می توان به تأثیر مثبت نسبت سرمایه، بازده حقوق صاحبان سهام، بازده دارایی ها، نرخ رشد تولید ناخالص داخلی و تأثیر منفی نرخ تورم و نسبت وام ها، نسبت سپرده و نسبت هزینه بانک بر ثبات مالی نظام بانکداری اشاره نمود.

واژگان کلیدی: بانکداری، تمرکز، ثبات مالی، داده های تابلویی پویا، گشتاورهای

تعمیم یافته

مقدمه

بانکها یکی از مهمترین نهادها و واسطه های مالی در نظام اقتصادی هستند که نقش جذب منابع و تبدیل آنها را به وجوه سرمایه گذاری را برای فعالیتهای سرمایه گذاری در بخشهای مختلف اقتصادی برعهده دارند. شبکه بانکی در کشور ایران نقشی بسیار بااهمیت تر را ایفا می کند زیرا که علاوه بر واسطه بودن در بازار پول به دلیل عدم توسعه ناکافی در بازار سرمایه نیز نقش تامین مالی برنامه های بلندمدت اقتصادی کشور را بر عهده دارد. با افزایش شرایط رقابتی و ورود بانک های خصوصی و موسسات مالی و اعتباری در شبکه بانکی کشور سهم آنان در صنعت بانکداری افزایش یافته و این صنعت را رقابتی تر نموده است. از این رو بررسی تاثیر چنین تغییراتی در سیستم بانکی کشور لازم به نظر رسیده و می تواند به شکل گیری رقابت در این بازار نیز کمک نماید. هرچه درجه رقابت پذیری سیستم بانکی بیشتر باشد نشان دهنده وجود کارایی و بهره وری بیشتر در بازار است. این مطالعه به تحلیل و بررسی رابطه بین تمرکز و ثبات مالی در نظام بانکداری ایران می پردازد. در بخش اول مقاله به مبانی نظری پرداخته خواهد شد. در بخش دوم وسوم بترتیب پیشینه تحقیق و روش تحقیق ارائه می شود. در نهایت مدل معرفی شده برآورد و تحلیل می شود.

مبانی نظری تمرکز و ثبات مالی نظام بانکداری

یکی از مهم ترین متغیرها در بحث ساختار بانک ها تمرکز می باشد. برای پرداختن به تمرکز بازار بانک باید ابتدا محدوده بازار و سپس متغیرهای مورد توجه مانند فروش، ارزش افزوده و دارایی را مشخص کرد. برای برآورد و اندازه گیری تمرکز در بازار و سهم بنگاه های مختلف از بازار می توان از شاخص های مختلفی مانند هرفیندال - هیرشمن، هال تایدمن و هانا و کای استفاده نمود.

اندازه تمرکز به دو عامل تعداد بنگاه ها در صنعت و همچنین توزیع سهام در بازار بانک بستگی دارد به این صورت که با افزایش تعداد بنگاه ها در صنعت بانکداری با فرض ثابت بودن دیگر عوامل، تمرکز کاهش یافته و با افزایش نابرابری در سهم بازار، تمرکز نیز افزایش می یابد (دفتر مطالعات اقتصادی، ۱۳۸۵).

تمرکز یکی از موضوعات پراهمیت در زمینه سازمان صنعتی و اقتصاد صنعتی محسوب می گردد. نسبت تمرکز نه تنها به عنوان معروفترین شاخص ساختار بازار می باشد بلکه نقش تعیین کننده ای در تحلیل رفتار انحصاری و فرموله نمودن سیاست رقابتی دارد.

ثبات مالی در یک نظام مالی زمانی اتفاق می افتد که سه شرط زیر حاصل شود:

۱. توانایی تخصیص منابع اقتصادی به شکل کارا و نیز قدرت کاری ساختن فرآیندهای اقتصادی دیگر (رشد اقتصادی، رفاه عمومی، و تراکم دارایی) وجود داشته باشد.

۲. مدیریت مناسبی در زمینه تخمین قیمت گذاری، تخصیص و مدیریت مخاطرات مالی صورت گیرد.

۳. توانایی اجرای موارد فوق حتی در شرایط بروز بحرانهای خارجی وجود داشته باشد.

ثبات مالی نیز مانند سلامت، معمولاً با ضد آن تعریف می شود. همان گونه که گفته می شود انسان سالم، انسانی است که هیچ بیماری در حال حاضر سلامت وی را تهدید نکرده و به طور بالقوه نیز در معرض ابتلای به یک بیماری جدی قرار ندارد؛ ثبات مالی نیز به وضعی گفته می شود که بحران های مالی سیستماتیک، ثبات اقتصاد کلان را تهدید ننماید. بحران مالی به یک تغییر ناگهانی و سریع در همه یا اکثر شاخص های مالی - شامل نرخ های به ره کوتاه مدت و قیمت دارایی ها (اوراق بهادار، سهام، مستغلات، زمین) و ورشکستگی و سقوط موسسات مالی اطلاق می شود. در حالی که رونق یا حباب بر حسب هجوم پول به سوی دارایی های حقیقی یا مالی شناسایی می شود، که بر انتظار استمرار در افزایش قیمت دارایی ها مبتنی است، بحران مالی بر حسب خروج ناگهانی دارایی ها از بخش مالی به سوی پول شناسایی می شود. این رفتار بر عکس حالت اول، مبتنی بر این باور است که قیمت دارایی ها رو به زوال است. بین دوران رونق و بحران مالی، ممکن است ادواری از ناآرامی و فشار مشاهده گردد.

در مطالعات تجربی پیرامون ساختار بازار برای قضاوت راجع به درجه رقابت و انحصار در هر بازار معمولاً از مفهوم تمرکز استفاده می شود. تمرکز یکی از جنبه ها و ابعاد مهم ساختار بازار می باشد و شاید مهمترین متغیر ساختاری است. تحلیل ارتباط بین تمرکز و ثبات بیشتر از یک ارتباط ساده را شامل می شود و ممکن است به شرایط اقتصادی خاصی وابسته باشد. تئوری های اقتصادی پیش بینی های گاهاً متضادی را در رابطه با ارتباط بین ثبات و تمرکز دارند.

برخی از مباحث نظری نشان می دهند که بخش های بانکداری با تمرکز کمتر بیشتر مستعد بحران مالی هستند. دیگر دانشمندان استدلال می کنند که ساختار بانکداری متمرکز تر شکنندگی بخش بانکداری را بالا می برد.

اوهده و همیشاف (۲۰۰۹)، دمیرگوک و لوین (۱۹۹۶)، بک و دیگران (۲۰۰۳) و شانگ و دیگران (۲۰۰۷)، دو فرضیه متناقض در رابطه با رابطه ثبات - تمرکز در بانکداری را مطرح کردند. فرضیه تمرکز - ثبات و فرضیه تمرکز - شکنندگی.

فرضیه اول نشان می دهد که نظام بانکداری با بانک های کوچک و سطح تمرکز پایین بیشتر از سیستم های بانکی متمرکز با تعداد بانک های بزرگ معهود تمایل به بحران های مالی دارد.

فرضیه دوم استدلال می کند که سیستم های بانکی متمرکز تر شکننده تر هستند.

برخی از تحقیقات فرضیه سومی به نام عدم ارتباط ثبات - تمرکز را مطرح کرده اند. فرضیه سوم نشان می دهد که آنالیز ارتباط ثبات - تمرکز بیشتر از یک مبادله ساده را شامل می شود و اثرات تمرکز بر ثبات نظام بانکداری ممکن است به شرایط خاص اقتصادی، فرضیات تحقیقات، اوضاع و اطلاعات استفاده شده برای آنالیز تمرکز و ثبات بستگی داشته باشد. تمام این فرضیات به طور وسیع مورد تست قرار گرفته اند، بیشترین تحقیقات بر ایالات متحده و بریتانیا تمرکز کرده اند. نتایج این تحقیقات در هم آمیخته است و گواه قاطعی جهت نشان دادن برتری یک فرضیه بر دیگر فرضیه ها در دست نیست. بیشتر دانشمندان گواه عملی بر فرضیه ثبات - تمرکز ارائه داده اند اما برخی گواه عملی بر فرضیه های تمرکز - شکنندگی و عدم ارتباط ثبات - تمرکز ارائه داده اند.

نتایج عملی نشان می دهد که سیستم های بانکداری متمرکزتر سطح ثبات مالی را بالا می برند. کشف اصلی رابطه بین تمرکز و ثبات نظام بانکداری این است که در نظام بانکداری متمرکزتر که بانک ها توانایی متنوع نمودن وام هایشان را دارند، رابطه جایگزینی ریسک - بازگشت سرمایه بهبود پیدا می کند (شانگ و دیگران، ۲۰۰۷).

دیدگاه تمرکز-شکنندگی، نشان می دهد که ساختار نظام بانکداری متمرکزتر شکننده تر است. بوید و دی نیکلو (۲۰۰۵) اثبات می کنند که استدلال استاندارد دیدگاه تمرکز-ثبات که می گوید قدرت بازار موجب سودهای بالاتر و نتیجتاً ثبات بیشتر می شود ممکن است همیشه صادق نباشد بطوری که قدرت بازار و هزینه های استقراض بر روی رفتار سازمان تاثیر نمی گذارد و نرخ های بهره بالا که به وسیله بانک ها وضع می شوند فقط موجب تحمیل ریسک های بالاتر به سازمانها جهت گرفتن وام می شود و این امر ریسک سیستم مالی را بالا می برد.

پیشینه تحقیق

بیکر و هاف (۲۰۰۲) در مقاله خود شرایط رقابت و ساختار بازار در صنعت بانکداری و رابطه بین آنها بررسی نموده اند. شاخص رقابت با استفاده از مدل پانزار-روس اندازه گیری شده است. به دلیل رفتارهای رقابتی متمایز در بازارهای محلی، ملی و بین المللی در هر کشور تحت مطالعه سه نمونه گرفته شده است (بانکهای محلی یا کوچک، بانک های با اندازه متوسط و بانک های بزرگ یا بین المللی). نتیجه این تحقیق برای ۲۳ کشور تحت بررسی، ساختار رقابت انحصاری در بازار بانکداری را نشان می دهد و رقابت در بازارهای محلی ضعیف و در بازارهای بین المللی قوی تر می باشد اما در برخی موارد هم رقابت کامل دیده می شود (رقابت کامل در بانک های بزرگ برخی کشورها مشاهده می شود). این مطالعه اثر شاخص تمرکز را بر روی رقابت توسط شاخص های k بانک رهبر و هرفیندال - هیرشمن محاسبه کرده است. و تاثیر این شاخص های بر روی رقابت بازار معنادار بوده است.

شانگ و دیگران (۲۰۰۷) مطالعه ای تحت عنوان "ارتباط بین ثبات و تمرکز در نظام بانکداری برزبل" جهت بررسی ارتباط بین شاخص مطالبات معوق و غیرگردشی (شکنندگی نظام بانکداری) و فاکتورهای اقتصاد کلان، ریسک سیستمی و تمرکز بانکداری

انجام داده اند. برای محاسبه این رابطه از معیارها و شاخص های پویا با اثرات ثابت و از رویکرد داده های تابلویی استفاده می شود. نتایج تحقیق حاکی از این است که ارتباط منفی بین تمرکز نظام بانکداری و شکنندگی مالی وجود دارد. سیپولینی و فیوردلیسی (۲۰۰۸) در مقاله خود تاثیر تمرکز بانکی بر آشفستگی و بحران مالی، تاثیر تمرکز بانک (که به وسیله شاخص هرفیندال هیرشمن اندازه گیری می شود) را بر آشفستگی مالی مورد آزمون قرار می دهند که از داده های ۱۸۱۵۹ بانک در ۶ کشور اتریش، بلژیک، فرانسه، آلمان، ایتالیا و اسپانیا استفاده می کند. آشفستگی مالی به صورت تغییر ارزش افزوده اقتصادی از دو دوره متوالی (t-1, t) به ۵ صدک پایینی تعریف می شود. نتایج نشان می دهد که به طور متوسط تاثیر تمرکز بانک بر آشفستگی مالی منفی است بنابراین دیدگاه رقابت - ثبات را تایید می کند یعنی افزایش تمرکز صنعت احتمال دارد آشفستگی مالی را افزایش دهد.

دلتوویت (۲۰۱۰) مطالعه ای را با عنوان "رابطه تمرکز - ثبات در نظام بانکداری" با هدف تست وجود ارتباط بین تمرکز نظام بانکداری و هزینه بحرانهای بانکداری و آنالیز ارتباط بین تمرکز نظام بانکداری و هزینه بحران بانکی انجام داده اند. مطابق با نتایج تحقیق نرخ رشد واقعی GDP تاثیر مثبت بر ثبات بانکداری دارد. ارتباط منفی بین تورم و ثبات نظام بانکداری وجود دارد و تاثیر ساختار بخش بانکداری و متغیرهای توسعه ای بر ثبات نظام بانکداری مثبت است.

تاثیر تمرکز بازار بانکداری بر ریسک اعتباری توسط دفتر مطالعات اقتصادی معاونت برنامه ریزی و امور اقتصادی وزارت بازرگانی در سال ۱۳۸۵ صورت گرفته است. در این مطالعه وضعیت تمرکز نظام بانکی کشور اندازه گیری شده است ضمن آنکه رابطه ریسک و تمرکز بازار مورد بررسی و تحلیل قرار می گیرد. سپس به محاسبه ضریب همبستگی بین درجه تمرکز و ریسک اعتباری می پردازد. یافته های تحقیق بیانگر آنست که علیرغم ورود بانکهای خصوصی و افزایش سهم دیگر بانکها از بازار اعتبارات، تمرکز در بخش تسهیلات بانکی همچنان به نفع بانک های بزرگ تداوم دارد.

بررسی ساختار (اندازه گیری تمرکز) در صنعت بانکداری ایران و هزینه های اجتماعی انحصار آن، توسط دفتر مطالعات اقتصادی معاونت برنامه ریزی و امور اقتصادی وزارت بازرگانی در سال ۱۳۸۷ با هدف ارزیابی ساختار بازار و هزینه های اجتماعی انحصار و دلایل شکل گیری انحصار و ارائه راهکارها و اصلاح آن در بازار بانکی صورت گرفته است. برای اندازه گیری تمرکز از روش های منحنی تمرکز، نسبت تمرکز، رسم منحنی لورنز، شاخص هرفیندال-هیرشمن استفاده کرده است و جهت محاسبه هزینه های اجتماعی انحصار از روش کالین و مولر بهره جسته است. یافته های این پژوهش بیانگر آن است که علیرغم ورود بانک های خصوصی و افزایش سهم دیگر بانک ها از بازار اعتبارات تمرکز در بخش تسهیلات بانکی همچنان به نفع بانک های بزرگ تداوم دارد.

طاهری تفرشی (۱۳۹۰) تاثیر ورود بانک های خصوصی بر ساختار و عملکرد صنعت بانکداری در ایران را از روش معادلات رگرسیونی داده های تلفیقی و به منظور سنجش ساختار بانکداری از آماره راس-پانزار و به منظور سنجش عملکرد بانک ها از شاخص بازده دارایی ها استفاده کرده است. نتایج بدست آمده از این تحقیق بیانگر آن است که ساختار صنعت بانکداری ایران به صورت انحصاری بوده و با ورود بانک های خصوصی از میزان درجه انحصار کاسته نشده است و با این وجود فرضیه بهبود عملکرد بانک های دولتی پس از ورود بانک های خصوصی بر اساس داده های موجود تایید نشد.

روش تحقیق و ارائه مدل

در این مطالعه، ابتدا با روش اسنادی و تحلیل محتوا به مبانی نظری بررسی رابطه تمرکز و ثبات مالی در نظام بانکداری پرداخته شد. در ادامه با استفاده از اطلاعات و آمار جمع آوری شده الگوهای تدوین شده تصریح می شود. این تحقیق بر اساس الگوهای موجود در زمینه ثبات مالی در تمرکز بازار و با استفاده از روشهای اقتصادسنجی به بررسی اهداف و فرضیه های تحقیق می پردازد. داده های مورد استفاده در قالب داده های تابلویی مبتنی بر سری زمانی ۱۳۸۸-۱۳۸۰ برای ۱۷ بانک دولتی و خصوصی در کشور ایران خواهد بود. همچنین در این مطالعه برای بررسی ارتباط بین تمرکز و ثبات مالی در نظام بانکداری ایران از روش داده های تابلویی پویا و آزمون های متفاوت لازم برای ارزیابی نتایج با توجه به الگوی نظری طراحی شده، استفاده می شود.

تخمین مدل و نتایج

وقتی که تعداد مشاهدات سری زمانی در هر کدام از مقاطع زیاد باشد، می توان تحلیل مانایی (وجود ریشه واحد) را برای هر کدام از آن مقاطع مورد بررسی قرار داد. اما قدرت آزمون ریشه واحد هنگامی که طول دوره دادهها کم است بسیار پایین می باشد. در این شرایط استفاده از آزمون ریشه واحد مبتنی بر داده های تابلویی برای افزایش قدرت آزمونها ضروری است. این آزمونها اصطلاحاً آزمون های ریشه واحد پانل نامیده می شوند، از لحاظ سری های چندگانه هستند که برای ساختارهای اطلاعات پنل بکار رفته اند.

به منظور بررسی مانایی جمعی متغی رها از آزمون لوین لین چو، آزمون ایم، پسران و شیم، آزمون فیشر استفاده شده است. بر اساس این نتایج، فرضیه ی صفر مبتنی بر ریشه واحد متغیرها یا نایستایی آنها در سطح ۵٪ اهمیت برای کلیه متغیرها به استثنای، رد می شود.

از آنجا که جهت اندازه گیری تمرکز نظام بانکداری از ۴ شاخص متفاوت تمرکز استفاده شده است، مدل مذکور را به صورت جداگانه برای هر یک از شاخص های تمرکز مورد برآورد قرار گرفته و سپس نتایج حاصله را با یکدیگر مقایسه شده است. از نکات حائز اهمیت برآورد این الگو ارتباط مثبت بین نسبت نقدینگی و ثبات مالی می باشد دلیل این امر را می توان این طور توجیه نمود که هر چقدر دارایی های بانک به صورت نقد باشد میزان ریسک اعتباری که بانک را تهدید می کند کمتر است و بانک می تواند در مواقع تهدید ریسک های سیستمی عکس العمل مناسب نشان دهد و از بروز بحران جلوگیری کند. همچنین از دیگر نتایج این برآورد می توان به علامت منفی نسبت سپرده و نسبت وامها اشاره نمود که نشان دهنده اثر منفی این عوامل بر ثبات مالی نظام بانکداری است زیرا هر چه اندازه این نسبتها بالا باشد ریسک اعتباری و نقدینگی بانکها بالاتر می رود و ثبات مالی نظام بانکداری کاهش می یابد.

نتیجه گیری

این مطالعه به بررسی ارتباط و تاثیر تمرکز بازار بر ثبات مالی نظام بانکداری در کشور ایران پرداخته است. موضوع ثبات و سلامت نظام بانکداری به خصوص در سالهای اخیر از مهمترین مباحث نظام های مالی و بانکی کشورها به شمار می رود و عامل تمرکز بازار بانکداری به این جهت که بیشترین تاثیر را بر ثبات نظام بانکداری دارد. این نتیجه با فرضیه تمرکز - ثبات ارائه شده از سوی بک و دیگران (۲۰۰۳) و شانگ و دیگران (۲۰۰۸) مطابقت دارد. کشف اصلی رابطه بین تمرکز و ثبات نظام بانکداری این است که در نظام بانکداری متمرکزتر که بانکها توانایی متنوع نمودن وام هایشان را دارند، رابطه جایگزینی ریسک - بازگشت سرمایه بهبود پیدا می کند. همچنین اساساً نظارت بر تعداد بانک های کم در یک نظام بانکداری متمرکزتر آسانتر از نظارت بر تعداد زیاد بانک در نظام بانکداری با تمرکز کمتر است. از این منظر نظارت بانکداری موثرتر می شود، و ریسک سرایت و همچنین بحران سیستمی در بازار متمرکز کمتر احتمال وقوع دارد. نتایج حاصل از برآورد الگوها اثبات نمودند که نرخ رشد GDP تاثیر مثبت بر روی ثبات مالی نظام بانکداری دارد. زیرا هر چه میزان نرخ تولید ناخالص داخلی بیشتر باشد به تبع آن سرمایه گذاری و پس انداز نیز بیشتر است و در نتیجه ثبات مالی نظام بانکداری بالاتر می رود.

مطابق با نرخ تورم و ثبات مالی نظام بانکداری با یکدیگر رابطه عکس دارند. دلیل این ارتباط این است که تورم باعث کاهش سپرده گذاری و همچنین کاهش ارزش دارایی های بانک می گردد. شاخص های سودآوری بانک که در این مطالعه بازده حقوق صاحبان سهام که همان سود حاصل از سپرده سهامداران است و بازده دارایی ها که همان سود کسب شده از طریق دارایی های بانک است، رابطه مثبت با ثبات مالی دارد. از دیگر نتایج می توان به رابطه مثبت بین نسبت سرمایه بانک با ثبات مالی اشاره نمود زیرا هر چه نسبت کفایت سرمایه بالاتر باشد ثبات مالی نظام بانکداری بیشتر است. همچنین نتایج برآورد الگوها نشان دهنده تاثیر منفی نسبت هزینه ها بر روی ثبات مالی نظام بانکی می باشد. نتایج نشان می دهند که نسبت هزینه ها با ثبات مالی نظام بانکداری رابطه منفی و معناداری دارد زیرا نسبت هزینه به درآمد بالاتر نشان دهنده سودآوری کمتر و روند نکول و عدم ثبات سیستم می باشد.

مراجع

- [۱] ابونوری، اسماعیل، سامانی پور، حسن، ۱۳۸۱، برآورد پارامتریکی نسبت تمرکز صنایع در ایران، شماره ۲۲، پژوهشنامه بازرگانی.
- [۲] بخشی، لطفعلی، ۱۳۸۲، اندازه گیری تمرکز در صنعت سیمان ایران، شماره ۲۶، پژوهشنامه بازرگانی.
- [۳] پژویان، جمشید، شفیعی، افسانه، ۱۳۸۷، تحلیل ساختار در صنعت بانکداری ایران: کاربرد تجربی شاخص U دیویس، دوره ۵، شماره ۴، فصلنامه اقتصاد مقداری.
- [۴] جلیلی کامجو، سید پرویز و دیگران، ۱۳۹۱، تجزیه و تحلیل رابطه علیت بین تمرکز بانکی و رشد اقتصادی (مطالعه موردی ایران)، بیست و دومین همایش سالیانه سیاست های پولی و ارزی، تهران.
- [۵] دفتر مطالعات اقتصادی، ۱۳۸۵، تاثیر تمرکز بازار بانکی بر ریسک اعتباری، معاونت برنامه ریزی و امور اقتصادی وزارت بازرگانی.
- [۶] رفیعی شمس آبادی، پریسا، ۱۳۸۸، نقش بی بدیل سیاست های نرخ بهره بانک مرکزی و بحران مالی، اداره تحقیقات و کنترل ریسک بانک سپه.
- [۷] طاهری تفرشی، سیدرضا، ۱۳۸۹، تاثیر ورود بانک های خصوصی بر ساختار عملکرد نظام بانکی در ایران، پایان نامه کارشناسی ارشد، تهران، موسسه عالی بانکداری ایران.
- [۸] قندی نژاد، مرجانه، ۱۳۸۶، بررسی ساختار (اندازه گیری تمرکز) در صنعت بانکداری ایران و هزینه های اجتماعی انحصار آن، پایان نامه کارشناسی ارشد، تهران، دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات.
- [۹] نیلی، فرهاد، ۱۳۸۴، مقدمه ای بر ثبات مالی، شماره ۴۵، نشریه روند.
- [10] Beck, T., Demirguc-Kunt, A. and Levine, R. (2003). "Bank concentration and crises," Policy Research Working Paper
- [11] Beck, T., Hesse, H., and Kick, T. (2009). "Bank Ownership and Stability: Evidence from Germany."
- [12] Bikker, J., Haff, K. (2002). "Competition, concentration and their relationship: An empirical analysis of the banking industry", Journal
- [13] Boyd, J H. and De Nicolo, G. (2003). "Bank Ownership, Market Structure and Risk", IMF Working Paper.
- [14] Caminal, R., and Matutes, C. (2002). "Market power and banking failures", International Journal of Industrial Organization. 20, 1341-1361
- [15] Chang, E.J., Guerra, S.M., Lima, E.J.A., and Tabak, B.M. (2007). "The Stability-Concentration Relationship in the Brazilian Banking System", Journal of International Financial Markets, Institutions & Money; Vol. 18, 397-388, (4)
- [16] Cipollini, A., and Fiordelisi, F. (2008). "The impact of bank concentration on financial distress: The case of the European banking system", Universita di Modena e Reggio Emilia.
- [17] Deltuvaite, V. (2010). "The Concentration-Stability Relationship in the banking system: An Empirical Research", ECONOMICS AND MANAGEMENT.
- [18] Corvoicier, S., Gropp, R. (2002). "Bank concentration and retail interest rates", Journal of Banking & finance.
- [19] Demirguc-Kunt, A. and Levine, R. (1996). "Stock Market Development and Financial Intermediaries: Stylized Facts," World Bank Economic Review, World Bank Group, vol. 10, pages 291-321, May.
- [20] Heimshoff, U., Uhde, A. (2008). "Consolidation in Banking and Financial Stability in Europe: Empirical Evidence", Journal of banking & finance.

- [21] Iwamoto, K., and Mori, T (۲۰۱۱). "The Safety of Japanese Shinkin Bank Management and Z-score", IRCPEA Working Paper Series No.۱۰۰۳.
- [22] Michalak, T., Uhde, A (۲۰۰۹). "Credit Risk Securitization and